

نقش صنعت بیمه در ایجاد امنیت اقتصادی ایران

نویسنده: اسفندیار جهانگرد*

چکیده

اصولاً فعالیتهای اقتصادی هر جامعه به صورت یک حالت پویا عمل می‌کنند. حرکت آنها، به صورتی درنگ‌ناپذیر، بر عوامل پیرامون خود اثر می‌گذارد و از آنها اثر می‌پذیرد. صنعت بیمه هم از جمله مهمترین بخشهای اقتصادی هر کشور است که مشمول همین قاعده می‌گردد. بیمه، در فرایند تولید، از عوامل اطراف خود اثر می‌پذیرد و بر آنها اثر می‌گذارد و باعث رشد و توسعه تولید و رفاه اجتماعی کشورها می‌گردد. در علم اقتصاد، عملاً تنها شبکه مجموعه‌نگر مطالعاتی، جدول داده - ستانده است که امکان بررسی اثرهای متقابل بین فعالیتهای اقتصادی را فراهم می‌کند. در این مقاله، به بررسی نحوه توزیع خدمات بیمه‌ای در فعالیتهای اقتصادی و چگونگی فعالیت‌زایی این صنعت در اقتصاد ایران، و در نهایت، ایجاد امنیت اقتصادی ناشی از آن می‌پردازیم. در این زمینه، از آخرین جدول آماري اقتصاد ایران تاکنون، یعنی جدول سال ۱۳۶۷ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سود جستیم. نتایج به دست آمده، مؤید ایجاد امنیت اقتصادی توسط این صنعت، صرفاً در بخشهای خدماتی، می‌باشد.

۱. مقدمه

انسان، در هر زمان و در هر مکان، همیشه در اندیشه دستیابی به امنیت برای خود و خانواده‌اش بوده است. ممکن است ارائه تعریفی جامع و مانع از امنیت کامل، چندان آسان نباشد، ولی به هر صورت، بی‌گمان، "امنیت اقتصادی"، بخش مهمی از امنیت کامل را تشکیل می‌دهد. منظور از

امنیت اقتصادی، دسترسی به منابع مالی لازم برای تأمین نیازهای روزمره مصرف‌کننده و تولیدکننده در جامعه می‌باشد. در این خصوص، از زمان شکل‌گیری نهادهای دولتی در جوامع بشری، همواره مسئله دستیابی به امنیت اقتصادی، یکی از اولویتهایی بوده که تحقق آن از طریق اجرای برنامه‌های گوناگون به دست می‌آید. در کشورهای در حال توسعه، امنیت اقتصادی برای بیشتر تولیدکنندگان و مردم وجود ندارد و تنها برای گروه کم‌شماری به طور نارسا و موردی تأمین می‌شود. عدم تأمین اقتصادی بخش عمده تولیدکنندگان و مردم در کشورهای در حال توسعه، نه تنها سبب می‌شود که آنها در این‌گونه جوامع از سطح رفاه پایین‌تری برخوردار باشند، بلکه همچنین موجب می‌گردد که از سرعت رشد و تولید اقتصادی در این کشورها، در حد چشمگیری کاسته شود (ذاکر شهرک، ۱۳۷۱).

در ایران، نخستین سندی که در زمینه بیمه و تأمین اجتماعی به دست آمده است، مربوط به سال ۱۲۶۹ شمسی است. پس از آن، شرکت‌های بیمه خارجی در زمینه بیمه در کشور فعالیت داشتند که هدف آنها در جهت اعتلای صنعت بیمه در ایران نبوده است، بلکه هدف کلی و اصلی آنها استفاده از بازار دست نخورده کشور، غارت ثروت ملی و منابع مالی آن بوده است. به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانون ملی شدن شرکت‌های بیمه به تصویب شورای انقلاب رسید. هدف از ملی شدن بیمه، حفظ حقوق بیمه‌گزاران و گسترش و تعمیم بیمه در سرتاسر کشور و نیز مردمی شدن آن بود (مرکز مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱). در این مقاله، با ارائه ضریب‌های پیوستگی پسین و پیشین و شاخص‌های پویایی شناسی صنعت بیمه ایران، چگونگی عملکرد این صنعت در ایجاد امنیت اقتصادی در اقتصاد ایران را بررسی می‌نماییم. گفتنی است که توزیع خدمات بیمه‌ای کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی را به عنوان شاخص ایجاد امنیت اقتصادی در نظر گرفته‌ایم.

۲. مبانی نظری جدول داده - ستانده

جدول داده - ستانده (IO) در واقع تفکیک و شکافتن تولید ملی است. یعنی در این‌گونه جدولها، تولید برحسب بخش‌های اقتصادی و فراورده‌ها تفکیک می‌شود و مصرف کالاها و خدمات به وسیله بخش‌ها نمایان می‌گردد. از یک سوی، معلوم می‌شود که مقصد فراورده‌ها (شامل خدمات)

چیست (توفیق، ۱۳۷۱). برای مثال، از خدمات بیمه‌ای، چه مقدار در بخش حمل و نقل، چه مقدار در بخش بازرگانی به عنوان خدمات واسطه‌ای و چه مقدار توسط خانوارها مصرف نهایی می‌شود و چه مقدار آن به خارج از کشور صادر و چه مقدار وارد می‌شود. این مطلب در مورد همه کالاها و خدمات تکرار می‌شود. این اطلاعات را در سطرهای جدول داده - ستانده نمایش می‌دهند و به این اعتبار، هر سطر جدول، در واقع به تراز منابع و مصارف کالاها و خدمات مربوط است.

از سوی دیگر، جدول داده - ستانده، آینه تمام نمای ترکیب هزینه بخشها هم هست. یعنی با نگاهی به جدول می‌توان دید که بخش بیمه برای تولید خدمات خودش چقدر از خدمات خود بخش و چقدر از فرآورده‌های صنعتی و خدماتی، مصرف می‌کند. سرانجام، در ترکیب هزینه آن، سهم ارزش افزوده (دستمزد، سود، مالیات، استهلاک و...) چقدر است. به سخن دیگر، جدول داده - ستانده بیان می‌کند که فرضاً از هر ۱۰۰ تومان که در یک بخش، از جمله بیمه یا حمل و نقل یا معدن سرمایه گذاری می‌شود، چه مبلغ آن صرف خود آن بخش می‌شود، چه مبلغ آن به فعالیتهای یاری رساننده دیگر اختصاص می‌یابد و حتی چه مبلغ به فعالیتهایی کشانده می‌شود که ظاهراً ارتباطی با فعالیت اصلی ندارد. برای مشخص شدن کارکرد جدول - ستانده، به یک مثال طبیعی بسنده می‌کنیم. تمام اثرهای کم و بیش محسوس یا نامحسوس، بر دیگر فعالیتها را می‌توان این گونه بیان کرد که در صورت پرتاب سنگی در برکه‌ای آب، در اطراف آن امواجی ایجاد می‌گردد که هر چه از مرکز دور می‌شود، دامنه آنها وسیعتر، ولی شدت آنها کمتر می‌شود. با این مثال ساده با سازوکار جدول داده - ستانده آشنا می‌شویم. بدین ترتیب، می‌بینیم که اقتصاد جامعه یک امر پویاست. هر واحد پول که در جامعه خرج می‌شود، کم و بیش، و مستقیم و غیرمستقیم، بر دیگر فعالیتهای اثر می‌گذارد. کوتاه سخن، جدول داده - ستانده صرفاً از نظر توصیف، تصویر گویا و شفافی از فعالیت بخشها و پیوند میان آنها به دست می‌دهد. اما کاربرد جدول داده - ستانده تنها برای توصیف نیست، این جدول می‌تواند مبنای تحلیلهای بسیار ظریفی قرار گیرد و چون در آن بخشها به شکل هماهنگ و مرتبط به یکدیگر پدیدار می‌گردند، می‌توان به کمک آن، اثر هر رویدادی را که در گوشه‌ای از اقتصاد رخ می‌دهد، در سراسر اقتصاد پی‌گرفت. اینک با روشن شدن چگونگی کارکرد جدول داده - ستانده، به معرفی پیوندهای پسین و پیشین و شاخصهای پویایی‌شناسی و محاسبه آنها برای بخش بیمه اقتصاد ایران، به جهت نحوه ایجاد امنیت اقتصادی آن می‌پردازیم.

ضریبهای پیوستگی پسین^۱ و پیشین^۲

میزان وابستگی متقابل هر بخش در ساده‌ترین شکل آن با بخشهای دیگر را به ترتیب با دو ضریب پیوستگی پسین و پیشین می‌توان نشان داد.

پیوستگی پسین هر بخش، عبارت از نسبت داده‌های واسطه‌ای مورد نیاز آن بخش به تولید کل بخش مذکور. نحوه محاسبه ماتریسی آن به قرار زیر است

$$BL = i' A$$

که A: ماتریس ضریبهای فنی^۳ یا ماتریس ضریبهای داده^۴

i: بردار ستونی واحد

اگر این ضریب برای بخشی از اقتصاد بزرگ باشد، بدین معناست که به نظام تولید بسیار متکی بوده و خریدار داده‌های واسطه‌ای بیشتری می‌باشد. همچنین این ضریب، نشان‌دهنده طرف تقاضای^۵ اقتصاد باشد.

نسبت تقاضای واسطه‌ای فرآورده‌های هر بخش به تقاضای کل آن بخش را پیوستگی پیشین می‌گویند. نحوه محاسبه این ضریب، عبارت است از

$$FL = \vec{A}i$$

که \vec{A} : ماتریس ضریبهای تولید یا ستانده^۶

i: بردار ستونی واحد

ضریب پیوستگی پیشین هر بخشی که بیشتر برای تقاضای واسطه‌ای بخشهای دیگر تولید می‌کند، از بقیه بخشها بیشتر است. این گفته، بدین مفهوم است که ضریب (FL)، طرف عرضه^۷ را نشان می‌دهد (Miller, 1985).

۳. رویکرد مرتبه‌بندی نظام تولیدی

تقسیم‌بندی نظام تولیدی به بخشهای گوناگون پیشینه‌ای بس دراز دارد. این نظام، عملاً بین صنعت

1. Backward Linkage(BL) Coefficients

2. Forward Linkage(FL) Coefficients

3. Technical Coefficients Matrix

4. Input Coefficients

5. Demand Side

6. Output Coefficients Matrix

7. Supply Side

و کشاورزی تفکیک می‌شود و از بُعد تاریخی نیز هم‌عصر پیدایش علم اقتصاد است. نظام تولیدی را دکتر فرانسوکنه سه شعبه، و کارل مارکس دو شعبه می‌داند. در زمان کنونی، موضوع شناسی رشد و توسعه را تقسیم‌بندی نظام تولیدی تشکیل می‌دهد. در این زمینه، منشأ همه تقسیم‌بندیها، امروزه تحلیل داده - ستانده نوع لئونتیف است. جدول دو بعدی مبادلات بین صنایع، ساختار اقتصاد کشور را در قالب ماتریس ضریبهای فنی^۱، که نمایشگر مناسبات کالایی بخشها با همدیگر است، خلاصه می‌کند (فرجی دانا، ۱۳۶۶).

اگر بخشها را برحسب پیوستگی پسین و پیشین و با توجه به مقدار این ضریبها رده‌بندی کنیم، چهار گروه فعالیتها را تشخیص می‌دهیم:

گروه اول، صنایع واسطه‌ای یا اساسی با پیوندهای پسین و پیشین قوی.

گروه دوم، صنایع نهایی با پیوندهای پسین قوی و پیشین ضعیف.

گروه سوم، تولید مواد اولیه واسطه‌ای با پیوندهای پسین ضعیف و پیشین قوی.

گروه چهارم، تولید مواد اولیه نهایی با پیوندهای پسین و پیشین ضعیف.

این رده‌بندی که در واقع، نظام تولیدی را در چهارگروه رده‌بندی می‌کند، با رده‌بندی سه گانه کلین کلاک^۲، که نظام تولیدی را به فعالیت‌های نخستین، دومین و سومین تقسیم می‌کند، منطبق است، با این تفاوت که بخش تولید کالاهای واسطه‌ای بدان افزوده شده است (جهانگرد، ۱۳۷۵). این رده‌بندی را در جدول ۱ نشان داده‌ایم.

جدول ۱. رده‌بندی نظام تولید اقتصاد

FL < ۰/۵۵	FL > ۰/۵۵	ستانده داده
گروه دوم: کالاهای نهایی صنعتی	گروه اول: کالاهای واسطه‌ای صنعتی	BL > ۰/۵۵
گروه چهارم: کالاهای نهایی اولیه	گروه سوم: کالاهای واسطه‌ای اولیه	BL < ۰/۵۵

مأخذ: جهانگرد، ۱۳۷۵.

۴. روش شناسی پویایی شناسی فعالیتهای اقتصادی

ضریبهای پیوستگی پسین و پیشین، آثار تولید مستقیم را نشان می‌دهد و رده‌بندی اولیه بخشها را امکانپذیر می‌سازد. اما برای بررسی پویایی شناسی بخشها باید به شاخصهای گویاتری توجه نماییم که همه آثار مستقیم و غیرمستقیم و بازتاب تغییرات بردار تقاضای نهایی و ارزش افزوده بالقوه را در سطوح تولید بخشها کمتی می‌کند. در این قسمت، به پاره‌ای از این شاخصها، که بدین منظور به کار می‌روند، اشاره می‌کنیم. یادآور می‌شویم که منظور از پویایی شناسی در این پژوهش، پویایی شناسی تولید فعالیتهای می‌باشد.

الف) شاخص قدرت انتشار (P)^۱

این شاخص، مفهوم آثار انتشار صنعت تحرک آور^۲ پرو^۲ را کمتی و محاسباتی می‌کند و عبارت است از حاصل ضرب تعداد بخشها در جمع ستونی ماتریس معکوس لئونتیف^۳ بخش مورد نظر، تقسیم بر جمع کل ماتریس معکوس لئونتیف

$$P = \frac{n \cdot i' \cdot (I-A)^{-1}}{i' \cdot (I-A)^{-1} \cdot i}$$

که:

n : تعداد بخشها

$(I-A)^{-1}$: ماتریس معکوس لئونتیف

i : بردار ستونی واحد

این شاخص، از ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم پسین بخشها حاصل می‌شود. اگر $P < 1$ باشد، بخش مورد بررسی، فقط انگیزه تولید ضعیف برای اقتصاد ایجاد می‌کند. اما اگر $P > 1$ باشد، بخش مذکور از خلال نیازش به داده‌های واسطه‌ای انگیزشهایی بیشتر از میانگین برای اقتصاد

1. Power of Dispersion

2. Pero

3. Leontief Inverse Matrix

ایجاب می‌کند (بولمر، ۱۹۸۲).

(ب) شاخص حساسیت (q)^۱

این شاخص، مکمل شاخص قدرت انتشار (P) است و عبارت است از حاصل ضرب تعداد بخشهای اقتصاد در جمع ردیفی ضریبهای ماتریس معکوس لئونتیف هر بخش، تقسیم بر جمع کل ماتریس معکوس لئونتیف (بولمر، ۱۹۸۲).

$$q = \frac{n.i. (I-A)^{-1}}{i'.(I-A)^{-1} i}$$

این شاخص، از ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم پیشین بخشها استخراج می‌گردد. اگر این شاخص، کمتر از واحد باشد ($q < 1$)، آثار ثانویه منبث از بخش مورد بررسی در اقتصاد ناچیز است و انگیزی که به وسیله تقاضای نهایی ایجاد شده بر واردات می‌افزاید و توزیع درآمدهای اضافی بازتایی در راه‌اندازی و گسترش فعالیتها نخواهد داشت. برعکس، اگر ($q > 1$) بزرگتر از واحد باشد، بخش مذکور می‌تواند، بالقوه در درونی کردن فرایند تولید و یکپارچگی اقتصاد نقش کلیدی داشته باشد و فعالیتهای زیاد و آثار ثانویه گسترده‌ای را ایجاد کند.

اگر بخشها را برحسب ضریبهای قدرت انتشار و شاخص حساسیت و با توجه به مقادیر آنها رده‌بندی کنیم، چهار گروه فعالیتهای را می‌توانیم تشخیص دهیم که همانند رده‌بندی برحسب ضریبهای پسین و پیشین می‌باشد، ولی به دلیل در نظر گرفتن همه آثار مستقیم و غیرمستقیم توسط این دو شاخص، رده‌بندی جایگاه بخشها در اقتصاد گویاتر است.

(ج) شاخص اهمیت (S)^۲

از جمله دیگر شاخصهای پویایی‌شناسی اقتصاد، شاخص اهمیت (S) می‌باشد. این شاخص، از

طریق حذف هر بخش موردنظر از ماتریس ضریبهای فنی و انجام محاسبات نظام تولیدی به دست می‌آید (فرجی دانا، ۱۳۶۶).

اگر شاخص اهمیت، بزرگتر از واحد ($S > 1$) باشد، بخش موردنظر در بخشهای دیگر انگیزشهای شدیدی دارد، و اگر کوچکتر از واحد ($S < 1$) باشد، بخش مورد بررسی وابسته به انگیزشهای بخشهای دیگر است. در پرتو این شاخص، فعالیتهای کلیدی و فعالیت زا هستند که دارای بیشترین ضریب اهمیت می‌باشند (فرجی دانا، ۱۳۶۶).

۵. تحلیل پویایی صنعت بیمه اقتصاد ایران و نقش آن در ایجاد امنیت اقتصادی

همان طوری که گفتیم، میزان ارتباط پیوند متقابل هر بخش را در ساده‌ترین شکل با پیوندهای پسین و پیشین می‌سنجند. صنعت بیمه در اقتصاد ایران، مطابق رده‌بندی نظام تولیدی، در گروه سوم تولیدی قرار می‌گیرد و این بدین معناست که فرایند تولید این صنعت کوتاه ولی تقاضای واسطه‌ای آن بالاست، و به سخن دیگر، بیانگر قوی بودن پیوندهای پیشین و ضعیف بودن پیوندهای پسین آن می‌باشد. جدولهای ۲ و ۳، پیوندهای پسین و پیشین بیمه را در ایران نشان می‌دهد. در این زمینه، باید اشاره کنیم که از بعد پیوندهای پیشین صنعت بیمه، عمده‌ترین آنها، حمل و نقل و انبارداری (۵/۵۲)، بخش بازرگانی (۰/۱۰۹) در بین بخشهای خدماتی، بخش ریسندگی و بافندگی (۰/۱۴۵۲) در بین بخشهای تولیدی می‌باشند، و به‌طور کلی، ۰/۶۸ از ۰/۸۲ توزیع واسطه‌ای خدمات بیمه‌ای در بخشهای خدماتی و تنها ۰/۱۴ در بین بخشهای تولیدی است. در خصوص پیوندهای پسین هم با بخشهای چاپ و انتشار (۰/۱۰۴) و بازرگانی و مستغلات اجاره‌ای پیوندی قویتر از دیگر بخشهای اقتصاد ایران دارد. پیوندهای پسین این صنعت در اقتصاد ایران، ضعیف، و به سخن دیگر، زیاد درگیر بخشهای واسطه‌ای دیگر برای تولید خدمات خود نمی‌گردد. ولی همان‌طور که گفتیم، از بعد عرضه، خدمات آن مصرف واسطه بخشهای بسیاری می‌گردد که بخش عمده آنها بخشهای خدماتی است.

جدول ۲. توزیع خدمات واسطه‌ای بیمه یا ضربه‌های پیشین صنعت بیمه در اقتصاد ایران

DFL	فعالیت	row	DFL	فعالیت	row
0.00682	چوب و الوار	28	0.00706	زراعت	1
0.00011	محصولات چوبی	29	0.00608	دامپروری و شکار	2
0.00014	ساخت میل و ائاثیه چوبی	30	0.00000	جنگلداری	3
0.00041	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	31	0.00042	ماهگیری	4
0.00643	چاپ و انتشار	32	0.00066	نفت خام و گاز طبیعی	5
0.00051	مواد اساسی شیمیایی	33	0.00052	معادن زغال سنگ	6
0.00035	کود شیمیایی و سم	34	0.00100	سایر معادن	7
0.00008	الیاف مصنوعی و مواد پلاستیکی	35	0.00009	تولید محصولات گوشتی	8
0.00031	رنگ و مواد صیقل	36	0.00343	محصولات لبنی	9
0.00177	دارو و مواد ساخت دارو	37	0.00012	نگهداری میوه و سبزیجات	10
0.00137	صابون، پودرهای شوینده و محصولات مشابه	38	0.00018	نگهداری غذاهای دریایی	11
0.00143	تولید فرآورده‌های نفتی	39	0.00041	روغنهای خوراکی	12
0.00056	تولید محصولات مفرقه نفت وزغال سنگ	40	0.00574	آردسازی و برنج پاک کنی	13
0.00049	لاستیک روی و نوبی و سایر محصولات لاستیکی	41	0.00036	نان، نان شیرینی و شکلات	14
0.00254	تولید محصولات پلاستیکی	42	0.00320	قند و شکر	15
0.00012	صنعت ظروف چینی و سفالی	43	0.00085	سایر محصولات غذایی	16
0.00021	صنعت شیشه و محصولات شیشه‌ای	44	0.00037	تولید نوشابه	17
0.00109	صنعت محصولات گلی ساختمانی	45	0.00015	سیگار، توتون و تنباکو	18
0.00292	سیمان، گچ و آهک	46	0.01447	ریسندگی و بافندگی	19
0.00326	سایر محصولات معدنی غیر فلزی	47	0.00079	منسوجات به جز پوشاک	20
0.00363	صنعت محصولات اساسی آهن و فولاد	48	0.00255	کشایف	21
0.00223	صنعت محصولات اساسی فلزات غیر آهنی	49	0.00357	تولید فرش و گلیم	22
0.00869	صنعت محصولات فلزی فابریکی	50	0.00007	سایر منسوجات	23
0.00172	محصولات فلزی ساختمانی	51	0.00392	پوشاک غیر از کفش	24
0.00391	سایر محصولات ساخته شده فلزی به جز ماشین آلات	52	0.00256	چرم و پوست	25
0.00543	صنعت موتور و توربین	53	0.00110	محصولات چرم و پوست	26
0.00079	تراکتور و ماشین آلات کشاورزی	54	0.00000	کفش به جز کفش لاستیکی و پلاستیک	27

ادامه جدول ۲

DFL	فعالیت	row	DFL	فعالیت	row
0.02393	آموزش خصوصی	82	0.00396	ماشین آلات و ابزار صنعتی غیر برقی	55
0.00000	آموزش دولتی	83	0.00006	صنعت ماشین آلات و وسایل صنعتی برقی	56
0.00075	بهداشت خصوصی	84	0.00075	راديو و تلویزیون و وسایل مخابراتی	57
0.00000	بهداشت دولتی	85	0.00111	وسایل برقی خانگی	58
0.00000	دفاع	86	0.00525	سایر وسایل و ابزار آلات الکتریکی	59
0.00000	امور عمومی	87	0.00034	کشتی سازی و وسایل راه آهن و هواپیما	60
0.00180	خدمات تفریحی و فرهنگی	88	0.00062	وسایط نقلیه موتوری	61
0.00600	سازمانهای مذهبی	89	0.00007	موتورسیکلت و دوچرخه	62
0.00009	انجمنهای کسب و کار حرفه‌ای و اجتماعی	90	0.00032	صنعت تولید وسایل حرفه‌ای و علمی	63
0.00204	خدمات تعمیرگاهها	91	0.00036	سایر صنایع تولیدی	64
0.00092	سایر خدمات شخصی و خانگی	92	0.00957	برق	65
0.00000	وسایل دفتری و لوازم التحریر	93	0.00021	توزیع گاز	66
0.00000	لوازم بسته بندی	94	0.00030	عرضه آب	67
0.82388	جمع هزینه‌های واسطه بخشها	95	0.00000	ساختمان مسکونی	68
			0.00000	ساختمان غیر مسکونی	69
			0.00000	سایر عملیات ساختمانی	70
			0.51805	حمل و نقل، انبارداری	71
			0.00448	ارتباطات	72
			0.10857	بازرگانی	73
			0.00000	رستوران	74
			0.00702	هتلداری	75
			0.00583	خدمات مالی	76
			0.00423	خدمات بیمه	77
			0.00000	مستغلات اجاری	78
			0.00000	مستغلات احتسابی	79
			0.00019	خدمات بازرگانی و حقوقی	80
			0.00006	کرایه ماشین آلات و وسایل	81

جدول ۳. ضریبهای پسین صنعت بیمه در اقتصاد ایران

row	فعالیت	DBL	row	فعالیت	DBL
1	زراعت	0.00009	28	چوب و الوار	0.00006
2	دامپروری و شکار	0.00027	29	محصولات چوبی	0.00000
3	جنگلداری	0.00000	30	ساخت میل و ائانه چوبی	0.00002
4	ماهگیری	0.00000	31	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	0.00434
5	نفت خام و گاز طبیعی	0.00000	32	چاپ و انتشار	0.01047
6	معادن زغال سنگ	0.00000	33	مواد اساسی شیمیایی	0.00000
7	سایر معادن	0.00000	34	کود شیمیایی و سم	0.00001
8	تولید محصولات گوشتی	0.00003	35	الیاف مصنوعی و مواد پلاستیکی	0.00001
9	محصولات لبنی	0.00000	36	رنگ و مواد صیقل	0.00000
10	نگهداری میوه و سبزیجات	0.00000	37	دارو و مواد ساخت دارو	0.00000
11	نگهداری غذاهای دریایی	0.00000	38	صابون، پودرهای شوینده و محصولات مشابه	0.00001
12	روغنهای خوراکی	0.00017	39	تولید فرآورده های نفتی	0.00088
13	آردسازی و برنج پاک کنی	0.00037	40	تولید محصولات متفرقه نفت و زغال سنگ	0.00001
14	نان، نان شیرینی و شکلات	0.00006	41	لاستیک روی دتویی و سایر محصولات لاستیکی	0.00001
15	قند و شکر	0.00007	42	تولید محصولات پلاستیکی	0.00002
16	سایر محصولات غذایی	0.00002	43	صنعت ظروف چینی و سفالی	0.00000
17	تولید نوشابه	0.00000	44	صنعت شیشه و محصولات شیشه ای	0.00000
18	سیگار، توتون و تنباکو	0.00000	45	صنعت محصولات گلی ساختمانی	0.00006
19	ریسندگی و بافندگی	0.00013	46	سیمان، گچ و آهک	0.00000
20	منسوجات به جز پوشاک	0.00000	47	سایر ... آلات معدنی غیر فلزی	0.00003
21	کشایف	0.00000	48	صنعت محصولات اساسی آهن و فولاد	0.00001
22	تولید فرش و گلیم	0.00001	49	صنعت محصولات اساسی فلزات غیر آهنی	0.00004
23	سایر منسوجات	0.00000	50	صنعت محصولات فلزی فابریکی	0.00001
24	پوشاک غیر از کفش	0.00018	51	محصولات فلزی ساختمانی	0.00069
25	چرم و پوست	0.00002	52	سایر محصولات ساخته شده فلزی به جز ماشین آلات	0.00041
26	محصولات چرم و پوست	0.00000	53	صنعت موتور و توربین	0.00000
27	کفش به جز کفش لاستیکی و پلاستیک	0.00002	54	تراکتور و ماشین آلات کشاورزی	0.00000

ادامه جدول ۳

DBL	فعالیت	row	DBL	فعالیت	row
0.00000	آموزش خصوصی	82	0.00024	ماشین آلات و ابزار صنعتی غیربرقی	55
0.00162	آموزش دولتی	83	0.00001	لمینت ماشین آلات و وسایل صنعتی برقی	56
0.00000	بهداشت خصوصی	84	0.00001	رادیو و تلویزیون و وسایل مخابراتی	57
0.00000	بهداشت دولتی	85	0.00025	وسایل برقی خانگی	58
0.00000	دفاع	86	0.00011	سایر وسایل و ابزارآلات الکتریکی	59
0.00005	امور عمومی	87	0.00041	کشتی سازی و وسایل راه آهن و هواپیما	60
0.00000	خدمات تفریحی و فرهنگی	88	0.00105	وسایط نقلیه موتوری	61
0.00002	سازمانهای مذهبی	89	0.00095	موتورسیکلت و دوچرخه	62
0.00000	انجمنهای کسب و کار حرفه‌ای و اجتماعی	90	0.00001	صنعت تولید وسایل حرفه‌ای و علمی	63
0.00027	خدمات تعمیرگاهها	91	0.00002	سایر صنایع تولیدی	64
0.00000	سایر خدمات شخصی و خانگی	92	0.00047	برق	65
0.00596	وسایل دفتری و لوازم التحریر	93	0.00000	توزیع گاز	66
0.00000	لوازم بسته بندی	94	0.00010	عرضه آب	67
0.07701	جمع هزینه های واسطه بخشها	95	0.00670	ساختمان مسکونی	68
			0.00014	ساختمان غیر مسکونی	69
			0.00000	سایر عملیات ساختمانی	70
			0.00411	حمل و نقل، انبارداری	71
			0.00231	ارتباطات	72
			0.00524	بازرگانی	73
			0.00016	رستوران	74
			0.00040	هتلداری	75
			0.00092	خدمات مالی	76
			0.00544	خدمات بیمه	77
			0.00604	مستغلات اجاری	78
			0.00000	مستغلات احتسائی	79
			0.01542	خدمات بازرگانی و حقوقی	80
			0.00000	کرایه ماشین آلات و وسایل	81

در صورتی که همان رده بندی نظام تولیدی را مطابق ضریبهای پسین و پیشین برای فعالیتهای اقتصادی در مورد شاخصهای پویایی شناسی هم قابل شویم و شرط بزرگتر و کوچکتر از واحد بودن را مبنا قرار دهیم، صنعت بیمه اقتصاد ایران در گروه سوم نظام تولیدی با شاخص حساسیت بزرگتر از واحد ($q > 1$) و شاخص قدرت انتشار ($P < 1$) کوچکتر از واحد قرار می گیرد (مطابق جدول ۴).

جدول ۴. شاخصهای پویایی صنعت بیمه اقتصاد ایران

شاخص	عنوان	P	q	S
صنعت بیمه		۰/۶۸	۱/۲	۱/۴

مأخذ: جهانگرد، ۱۳۷۵.

جایگاه این صنعت، مطابق شاخصهای فوق، این گونه تفسیر می گردد که این صنعت بالقوه در درونی کردن فرایند تولید و یکپارچگی اقتصاد نقش کلیدی دارد و فعالیتهای فراوان و آثار ثانویه گسترده ای را ایجاد می کند، ولی به دلیل ضعیف بودن طرف تقاضای آن، انگیزه تولید ضعیفی برای اقتصاد در پی دارد. در این زمینه، باید اشاره کنیم که در سیاستگذاری اقتصادی، در یک برنامه توسعه اقتصادی، فقط باید از جهت عرضه به این صنعت بیشتر توجه نمود، زیرا به دلیل پیوندهای ضعیف این صنعت از بعد تقاضا یا پیوندهای پسین تحرکی در دیگر فعالیتهای اقتصادی ایجاد نمی کند. البته شایان توجه است که اعمال سیاست اقتصادی به انعطاف پذیری نیروهای بازار و این نکته بستگی دارد که موانع عمده توسعه بیشتر در طرف عرضه این صنعت در چه بخشهایی وجود دارد. در این خصوص باید بگوییم که عرضه واسطه ای خدمات صنعت بیمه ایران به بخشهای تولید کالایی بسیار ضعیف است و در صورت سرمایه گذاری اقتصادی با وضعیت موجود صنعت مذکور، در بیشتر موارد، بخشهای خدماتی تحریک می شوند.

همان طور که گفتیم، از جمله دیگر شاخصهای پویایی شناسی، شاخص اهمیت (S) است.

شاخص اهمیت (S) صنعت بیمه ایران بزرگتر از واحد ($S > 1$) می‌باشد (مطابق جدول ۴). لذا این صنعت وابسته به انگیزش‌های دیگر بخش‌های اقتصادی نیست و از جمله فعالیت‌های کلیدی و فعالیت‌زای اقتصاد ایران به شمار می‌رود. در اینجا باید به این نکته اشاره نماییم که مطابق بررسی پیوندهای پیشین صنعت بیمه ایران، بیشتر عرضه خدمات آن، به بخش‌های خدماتی است، و بدین روی، فعالیت‌زایی این صنعت هم در اقتصاد ایران، بیشتر منجر به بخش‌های خدماتی می‌شود و نقش چندانی در فعالیت‌زایی و انگیزش در بخش‌های تولیدی نداشته است. به بیان دیگر، صنعت بیمه اقتصاد ایران در ایجاد امنیت اقتصادی و همچنین انگیزش در دیگر بخش‌ها بیشتر در بخش‌های خدماتی فعال است و نقش آن در ایجاد امنیت اقتصادی در بخش‌های تولیدی و همچنین انگیزش و فعالیت‌زایی در آنها ضعیف می‌باشد.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

به طور خلاصه، بررسی ضریب‌های پیوستگی‌های صنعت بیمه در اقتصاد ایران، گویای آثار جذب یا پیوستگی پیشین قوی، ولی آثار پسین ضعیف است. البته پیوستگی پیشین آن، بیشتر در بخش‌های خدماتی، از جمله حمل و نقل و انبارداری ($0/5181$) و بازرگانی ($0/1086$) است و در بخش‌های تولیدی هم ریسندگی و بافندگی ($0/0145$) قوی می‌باشد. همان طوری که می‌بینید، رقم عمده مربوط به حمل و نقل و انبارداری است. مطابق رده‌بندی نظام تولیدی هم این صنعت در گروه سوم و جزو تولیدکنندگان مواد اولیه یا خدمات اولیه واسطه‌ای برای دیگر فعالیت‌ها عمل می‌کند. البته همان طوری که گفتیم، بیشتر خدمات آن، صرف بخش‌های خدماتی، از قبیل حمل و نقل، انبارداری و بازرگانی می‌شود. مطابق جدول ۳، حدود $0/68$ از $0/82$ توزیع خدمات واسطه‌ای بیمه در بخش خدمات صورت می‌گیرد و مابقی آن که فقط $0/14$ می‌باشد، در بخش‌های تولیدی توزیع می‌شود و این نشان‌دهنده وجه غالب ایجاد امنیت اقتصادی این صنعت در بخش‌های خدماتی است.

از لحاظ شاخص‌های پویایی شناسی با بزرگتر از واحد بودن شاخص حساسیت ($q > 1$) و کوچکتر از واحد بودن ($P < 1$) قدرت انتشار آن، این صنعت نقش چشمگیری در درونی کردن

فرایند تولید اقتصاد ایران دارد، ولی ایجاد انگیزه تولید آن در دیگر فعاليتها ضعيف است. در این قسمت هم توجه شما را به این نکته جلب می‌نمایم که نقش این صنعت در درونی کردن فرایند تولید همه بخشها امکانپذیر است، ولی در وضعیت موجود، بیشتر در بخشهای خدماتی است. از لحاظ شاخص اهمیت (S)، این صنعت با شاخص اهمیت معادل $1/4$ و $(S > 1)$ انگیزشهای شدیدی را در دیگر فعاليتها، به ویژه بخشهای خدماتی ایجاد می‌کند و قدرت فعالیت‌زایی شایان توجهی دارد که این مورد هم بیشتر در بخشهای خدماتی مصداق دارد.

از آنجا که هدف از ایجاد بیمه ایجاد امنیت اقتصادی است، باید بگوییم که صنعت بیمه ایران، در چرخه اقتصادی، نقش حساسی دارد. در اقتصاد ایران، صنعت بیمه ایران در ایجاد امنیت اقتصادی در بخشهای خدماتی به مراتب بهتر از بخشهای تولیدی عمل می‌کند. ولی از آنجا که یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران، عدم تحرک و پویایی در تولید کالایی در بخشهایی همچون صنعت و کشاورزی، و وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام می‌باشد، بنابراین، لازم است که برای ایجاد محیط امن اقتصادی در اقتصاد ایران، صنعت بیمه به طرف بخشهای تولیدی از قبیل صنعت و کشاورزی جهتگیری نماید و از نوسانهای شدید در این بخشها جلوگیری به عمل آورد.

در این زمینه، باید در هر برنامه توسعه‌ای، با توجه به اوضاع اقتصادی کشور که با تنگناهای امنیتی در مسائل تولیدی روبه روست، در چرخه دینامیک توسعه ملی، با جامع‌نگری و دوراندیشی به جهت دادن صنعت بیمه در بخشهای تولید کالایی توجه بسیاری مبذول گردد. بنابراین، از آنجا که تنها راه ممکن برای رسیدن به اقتصادی توسعه یافته و شکوفا، در گرو تخصیص بهینه درونزای درآمدهای اقتصاد به فعاليتهاي کلیدی اقتصادی می‌باشد، لازم است که در مورد صنعت بیمه ایران نیز جهتگیری و تخصیص بهینه درونزا و هماهنگ در جهت ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای صنعت و کشاورزی به عمل آید.

منابع

الف) فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵). جدول داده - ستانده اقتصاد ایران سال ۱۳۶۷. اداره حسابهای اقتصادی.
- بانویی، علی اصغر (۱۳۷۶). مروری بر جایگاه جدول داده - ستانده و جنبه‌های مختلف کاربرد آن در اقتصاد ایران. مجله پژوهشهای اقتصادی. شماره ۳.
- توفیق، فیروز (۱۳۷۱). تحلیل داده - ستانده، کاربرد آن در پیش بینی و برنامه‌ریزی. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۷۵). تحلیل پویایی صنعت بیمه در فرایند تولید اقتصاد ایران. سومین سمینار بیمه و توسعه، بیمه مرکزی.
- ذاکر شهرک، علی اکبر (۱۳۷۱). جایگاه امنیت اقتصادی در استمرار و شتاب روند رشد و توسعه اقتصادی. برنامه توسعه. شماره ۳.
- ذوالنور، سیدحسن (۱۳۶۵). جدول تلفیقی داده‌ها و ستانده‌ها و ارتباط‌های پیشین و پسین در اقتصاد ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره اول، شماره دوم.
- فرجی دانا، احمد (۱۳۶۶). پویایی شناسی بخشهای اقتصادی برای تشخیص فعالیت‌های کلیدی اقتصاد ایران در یک برنامه توسعه اقتصادی، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران. شماره ۱۹.
- مرکز مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۷۱). اقتصاد ایران.

ب) انگلیسی

- Banouei, A.A. & Zandkarimi, B. (1996). *Sectoral interrelatedness and the Iranian Economy During pre and Post Revolution Scene: An Input-output Analysis of Iranian Economy Review*.
- Bulmer, Thomas (1982). *Input-output Analysis in Developing Countries*. New York. John Wiley and Sons, Inc.
- Miller, R.E.; & Bliar, P.D. (1985). *Input-output Analysis: Foundation and Extensions*. Engelwood Cliffs: Prentice Hall, Inc.